



# Octopus Doctrine

**Mohammad Hosein Safaee**

Assistant professor of Supreme National Defense University, Tehran, Iran

Email: mhs13680@yahoo.com

## Abstract

The tension between the fake regime of Israel and the Islamic Republic of Iran is one of the most obvious conflicts and geopolitical fault lines in the contemporary world. Decades of hostility have not remained static, but have evolved over time. Israel's approach over the past years has been targeting Tehran's influence in its surrounding environment and at the same time secretly trying to weaken the nuclear program through shadow war or cyber attacks and terror. With numerous Israeli air strikes against Hezbollah and Iranian advisory units in this country, Syria has become the most violent proxy battlefield. In this situation, Naftali Bennett, who was the prime minister of this regime until June 27, 2022, drew a more extreme and possibly more dangerous approach towards Tehran. Israeli officials are now openly and delusionally describing a new military doctrine known as the "Octopus Doctrine" that targets the head of the octopus, Iran (not just its tentacles throughout the region). According to the findings, through the description and analysis of the content, this doctrine is focused on creating a new equation or abandoning the shadow war, which will create a combustible dilemma in a sensitive area. In a situation where the international alliances that traditionally provide mediation or diplomatic channels are now out of reach with the Ukraine crisis and its consequences. It seems that the strategy of death by thousands of cuts mentioned by the leaders of the Zionist regime or the tactic of expanding the geography of confrontation with the Islamic Republic from Syria to Iraq is in line with the provision of the principles of this doctrine.

**Keywords:** Military Doctrine, Octopus Doctrine, Invasion and Islamic Republic of Iran



## رهنامه (دکترین) اختاپوس

محمدحسین صفایی

استادیار دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

Email: mhs13680@yahoo.com

### چکیده

یکی از بارزترین درگیری‌ها و خطوط گسل جغرافیای سیاسی جهان معاصر، تنش بین رژیم جعلی اسرائیل و جمهوری اسلامی ایران است. از زمان پیروزی انقلاب اسلامی، دهه‌ها خصومت با رژیم صهیونیستی ثابت نمانده، بلکه در طول زمان تکامل یافته‌اند. در راستای تحقق بازدارندگی، اسرائیل با اجرای راهبرد نبرد بین جنگ‌ها هدف قرار دادن نفوذ تهران در محیط پیرامون خود را از طریق جنگ در سایه یا حملات سایبری و ترور دنبال می‌کند؛ با این وجود نفتالی بنت که تا ۲۷ ژوئن ۲۰۲۲ نخست‌وزیر این رژیم بود رویکرد افراطی‌تر و احتمالاً پرخطرتری را در قبال تهران ترسیم کرده است. مقامات اسرائیلی اکنون آشکارا و متوهمانه رهنامه نظامی جدیدی موسوم به «رهنامه اختاپوس» را توصیف می‌کنند که هدف آن سر اختاپوس، یعنی ایران (نه فقط شاخک‌های آن در سراسر منطقه) است. طبق یافته‌ها از طریق توصیف و تحلیل محتوا، این رهنامه بر ایجاد یک معادله جدید یا کنار گذاشتن جنگ در سایه مبتنا شده که در ادامه یک دوراهی قابل احتراق را در منطقه‌ای حساس ایجاد خواهد کرد. به نظر می‌رسد راهبرد مرگ با هزاران بریدگی و یا تاکتیک گسترش دادن جغرافیای تقابل با جمهوری اسلامی از سوریه به عراق در راستای تأمین اصول مدنظر همین رهنامه باشد. در مقیاس منطقه‌ای نیز طرح رهنامه اختاپوس هم‌زمان با وقوع عملیات طوفان الاقصی، اسرائیل را در آینده به بازآفرینی راهبرد نبرد بین جنگ‌ها، تجدید نظر در حدود خطوط قرمز خود و آمادگی برای جنگ‌های طولانی مدت در چند جبهه در عین حرکت به سوی ائتلاف‌های بین‌المللی سوق خواهد داد.

**کلیدواژه‌ها:** رهنامه نظامی، رهنامه اختاپوس راهبرد نبرد بین جنگ‌ها و جمهوری اسلامی ایران.



## مقدمه

جمهوری اسلامی ایران، پس از انقلاب ۱۹۷۹ به یکی از بازیگران اصلی منطقه غرب آسیا تبدیل شده است. می‌توان گفت تهران به نیروی محرکه مقابله با «اسرائیل»<sup>۱</sup> مبدل شده و پیچیده‌ترین دشمنی است که اسرائیل تاکنون با آن روبرو بوده است. جمهوری اسلامی ایران بزرگ‌ترین چالش برای امنیت ملی اسرائیل است؛ نه به دلیل برنامه هسته‌ای، حمایت گسترده از حزب‌الله، حماس یا جهاد و تلاش‌های فعال برای منحرف کردن برنامه (به اصطلاح) روند سازش، بلکه به دلیل رویکرد دقیق حساب شده تهران برای مبارزه طولانی مدت با اسرائیل.

جنگ سال ۲۰۰۶ در لبنان، اولین جنگ ایران و اسرائیل نامیده شده و رویدادهای سوریه می‌تواند مبنای جنگ دوم باشد؛ در همین راستا نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل، متوهمانه هشدار داده است که «(الان) سال ۱۹۳۸ است و ایران، آلمان» (فریلیچ، ۲۰۱۸:۱۴).

پس از تشکیل یک جبهه مشترک مقاومت با محوریت جمهوری اسلامی در برابر گروه‌های مسلح تکفیری و استقلال طلب در شامات، نیروی هوایی اسرائیل در تلاش است به‌طور فعال به زیرساخت‌های تحت هدایت مستشاری جمهوری اسلامی ایران در سوریه و پایگاه‌های شبه‌نظامیان در عراق آسیب رساند. علاوه بر حملات هوایی، طبق برخی گمانه‌زنی‌ها ارتش اسرائیل عملیات ویژه و سایبری را در خاک ایران انجام داده تا توانایی‌های هسته‌ای ایران را محدود کند. چنین عملیاتی شامل سرقت آرشیو هسته‌ای ایران در سال ۲۰۱۸، قتل دانشمندان مرتبط با برنامه هسته‌ای و اقدامات خراب‌کارانه علیه تأسیسات هسته‌ای، مانند انفجار دسامبر ۲۰۲۱ در مجتمع غنی‌سازی نطنز بود. رژیم صهیونیستی از این سنخ اقدامات دو هدف اصلی را دنبال می‌کند؛ اول کاهش نفوذ ایران در منطقه و دوم کاهش توانمندی‌های هسته‌ای ایران. رفتار اسرائیل بر این فرض استوار است که حمله به ایران منجر به کاهش حضور منطقه‌ای و دست‌کشیدن تهران از برنامه‌های هسته‌ای می‌شود.

۱. جمهوری اسلامی ایران در ادبیات رسمی خود از این عنوان با عبارت «رژیم صهیونیستی» یاد می‌کند و موجودیت اسرائیل را در قالب یک کشور به رسمیت نمی‌شناسد.



در واقعیت؛ اما حملات اسرائیل این اهداف اعلام شده را تضعیف نکرده است؛ چراکه ایران به جای کاهش جنگ نیابتی خود و انکار دستیابی به قابلیت‌های هسته‌ای، اقدامات تقابلی خود را دوچندان کرده است. به جای تعطیلی تأسیسات هسته‌ای، تأسیسات بزرگ‌تر و محافظت‌شده‌تری می‌سازد. به اذعان رسانه‌های غربی برای جلوگیری از حملات مشابه، تهران در حال ساخت جدیدترین تأسیسات زیرزمینی خود در اعماق کوه‌ها است، جایی که می‌تواند در برابر حملات سایبری ایالات متحده و بمب‌های نفوذی سنگر اسرائیل مقاومت کند؛ در نتیجه اسرائیل اکنون با مشکل حادث‌تری مواجه است چراکه سلاح‌های لازم برای آسیب رساندن به تأسیسات جدید زیرزمینی را در اختیار ندارد.<sup>۱</sup>

در چنین وضعیتی سیاست‌مداران اسرائیلی به دنبال تأمین مقاصد از طریق پیاده‌سازی طرحی نو با عنوان «رهنامه اختاپوس»<sup>۲</sup> هستند. مسئله اصلی پژوهش واکاوی دقیق رهنامه اختاپوس اعم از بیان زمینه‌ها، معرفی افراد تأثیرگذار و ارائه گزارشی از نتایج آن در ایران و منطقه غرب آسیا است؛ سؤال اصلی که ما به دنبال پاسخ به آن هستیم چگونگی تغییرات در اصول رهنامه نظامی اسرائیل و راهبردهای کلان آن همچون راهبرد نبرد بین جنگ‌ها (از اساسی‌ترین اصول رهنامه نظامی اسرائیل برای کنترل محیط پیرامونی)، متعاقب اجرای رهنامه اختاپوس است. طبق فرضیه تحقیق اتخاذ این رویه در سال‌های آتی منجر به بازبینی اصول راهبرد نبرد بین جنگ‌ها اعم از رویارویی مستقیم با ایران، تغییر دامنه خطوط قرمز درگیری با سایر گروه‌های مقاومت؛ آمادگی برای جنگ‌های زمینی یا طولانی مدت و ایجاد ائتلاف‌های بین‌المللی در مقابل جبهه مقاومت خواهد بود.

روش جمع‌آوری و تدوین این مقاله همان‌گونه که در چکیده بدان اشاره شد تحلیل محتوا است. در مرحله اول با مطالعه عینی اسناد آشکار منتشرشده از سوی محافل اندیشه‌ورز و دولتی رژیم جعلی اسرائیل از سال ۱۹۴۸ میلادی (مبتنی بر آموزه‌های بن‌گوریون) تا به حال (واکاوی محتوای آشکار پیام) تلاش شده در قالب تفسیر پیام، تعریفی مشخص از رهنامه

۱ . (the-octopus-doctrine-how-israel-is-making-u-s-iran-nuclear-negotiations-more-difficult) (۲۸ ژوئیه

۲۰۲۲)، برگرفته از لینک: <https://realistreview.org>

اختاپوس ارائه شود. در مرحله بعد با تحلیل ویژگی‌های این پیام‌ها و تحلیل رهنامه اختاپوس نقطه تمایز آن با رویکردهای کلاسیک در رهنامه نظامی اسرائیل به تصویر کشیده خواهد شد. در مرحله آخر نتایج اتخاذ این رویکرد اعم از اثرات ملی، منطقه‌ای و تغییرات در راهبرد نبرد بین جنگ‌ها به همراه پیشنهادهایی درخصوص اتخاذ راهبرد مناسب تقدیم می‌شود.

درخصوص پیشینه تحقیق، لازم به ذکر است تاکنون تحقیقات معدودی درخصوص رهنامه‌های نظامی اسرائیل در مجامع علمی کشور به ثبت رسیده که از میان وجوه نوآوری و تمایز این مقاله نسبت به آثار متقدم، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

مقاله تغییر و تداوم در اصول امنیت ملی رژیم صهیونیستی منتشرشده در فصلنامه محیط‌شناسی راهبردی ج.ا.ایران، دوره: ۶، شماره: ۲، به قلم امیررضا مقومی و روح‌الله قادری کنگاوری (۱۴۰۱). این مقاله با اشاره ضمنی به رهنامه نظامی در اصل به تطورات رهنامه امنیتی اسرائیل از بدو تأسیس تا به حال پرداخته است. در پژوهش حاضر سعی بر آن است تا به صورت تخصصی آخرین چالش‌های متوجه رژیم و علاج آن در سطح رهنامه نظامی بررسی شود.

مقاله جنگ آینده در رهنامه نظامی رژیم صهیونیستی منتشرشده در فصلنامه سیاست دفاعی، دوره: ۱۰، شماره: ۳۲، به قلم گروه امنیت ملی پژوهشکده علوم دفاعی گروه امنیت ملی پژوهشکده علوم دفاعی (۱۳۷۹). فرض اساسی مقاله این است که به موازات نبود یک جایگاه حقوقی و مشروع سرزمینی برای چنین پدیده شومی (اسرائیل)، تصویر یک جنگ آینده برای حاکمان این رژیم بسیار حاد و حساس است و از این رو، به هر نحو ممکن همواره می‌کوشند تا پیش از رسیدن چنان وضعیتی با ایجاد یک جنگ از آن جلوگیری کنند. در مقاله حاضر سعی شده این مفهوم ذیل عنوان «راهبرد نبرد بین جنگ‌ها» به صورت علمی تر تحلیل و بررسی شود. با توجه به تغییرات صورت گرفته مدعای مقاله حاضر خلاف جمع‌بندی این مقاله را اثبات می‌کند.

مقاله رهنامه اتحاد پیرامونی و امنیت اسرائیل منتشرشده در نشریه مطالعات سیاسی دوره: ۱۰، شماره ۴۰ (۱۳۹۷). فرض اساسی مقاله این است که از ابتدای تأسیس رژیم صهیونیستی،



خطر انزوا، تهدید جدی برای دولت‌مردان آن بوده است. با توجه به این تهدید دیوید بن گوریون رهنامه اتحاد پیرامونی را در جهت خروج از انزوا در برابر اتحاد دولت‌های عربی مطرح کرد. در مقاله حاضر سعی شده از منظری نو این مفهوم ذیل عنوان حرکت اسرائیل به سمت ایجاد ائتلاف‌های بین‌المللی برای مقابله با محور مقاومت بازخوانی شود.

کتاب رهنامه نظامی رژیم صهیونیستی تألیف دکتر حسین حسینی جیردهی و منتشر شده در دانشگاه جامع امام حسین (ع)<sup>(۴)</sup> (۱۳۹۹). اگرچه از این کتاب بهره شایانی در تألیف مقاله حاضر برده شده؛ اما دسته‌بندی منظم‌تر و ادامه معرفی تغییرات رهنامه ارتش اسرائیل در خلال شرح و بسط طرح رهنامه اختاپوس از وجوه تمایز این مقاله با کتاب رهنامه نظامی رژیم صهیونیستی محسوب می‌شود.

کتاب رهنامه نظامی اسرائیل تألیف دکتر جهانگیر کرمی و منتشر شده در مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور (۱۳۸۹). این کتاب بیشتر بر تبیین رهنامه کلاسیک اسرائیل متمرکز است و با توجه به سال تألیف، اشاره‌ای به تغییرات دوران معاصر و برخی تحولات دوره مدرن ندارد.

## ۱. مبانی نظری

### ۱-۱ رهنامه نظامی

تعریف‌های رسمی متعددی از رهنامه نظامی طی چند دهه اخیر انجام شده است؛ جولیان کوربت<sup>۱</sup> استراتژیست بریتانیایی در حوزه دریانوردی در آستانه جنگ جهانی اول، رهنامه نظامی را روح یک جنگ تعریف کرد (کوربت، ۱۹۱۴:۲۴). بری بوزن<sup>۲</sup> رهنامه نظامی را دارای سه بُعد تهاجمی، دفاعی و بازدارندگی می‌داند (بوزن، ۱۹۸۴:۱۴). در گذر زمان وضعیت سیاسی و راهبردی هم یک بعد ژئوراهبردی را وارد رهنامه کرد.<sup>۳</sup>

1. Sir Julian Corbett

2. Barry R. Posen

۳. ژئواستراتژی به پیش‌بینی یک دولت از قدرت نظامی و جهت‌گیری تلاش‌های دیپلماتیک به سمت یک مکان یا مکان‌های خاص مربوط می‌شود.

طبق «FM 3-0»<sup>۱</sup> ارتش آمریکا، رهنامه شامل اصول اساسی، تاکتیک‌ها، تکنیک‌ها و رویه‌ها و اصطلاحات و نمادها است.

«سازمان پیمان آتلانتیک شمالی»<sup>۲</sup> رهنامه نظامی را به‌عنوان «اصول اساسی که توسط آن نیروهای نظامی اقدامات خود را در حمایت از اهداف هدایت می‌کنند» تعریف می‌کند.<sup>۳</sup> روسیه نیز این مفهوم را بدین بیان تعریف می‌کند: «رهنامه نظامی عبارت است از سامانه عقاید علمی و رسمی مورد قبول یک کشور درباره ماهیت جنگ‌های مدرن و استفاده از نیروهای مسلح در آن‌ها. انگاره‌ها و معتقدات اصلی رهنامه نظامی توسط رهبر سیاسی و نظامی یک کشور و مطابق نظام اجتماعی، سیاسی، تجهیزات جنگی و دیدگاه‌های نظامی یک دشمن احتمالی مشخص می‌شود» (گاتمن، ۱۹۹۰: ۳۷).

برای درک صحیح از رهنامه باید آن را به‌عنوان تجسم پیوند حیاتی بین نظریه و عمل تصور کنیم. باید بفهمیم این پُل از چه چیزی تشکیل شده است (پاسن<sup>۴</sup>، ۱۹۸۴: ۲۴۲). رهنامه در سطوح تاکتیکی، عملیاتی و راهبردی جنگ، عملکردهای متفاوت اما مرتبط، انجام می‌دهد. در سطح راهبردی، رهنامه جهت و درک را فراهم می‌کند. در سطح عملیاتی، رهنامه درک و آموزش را فراهم می‌کند و در سطح تاکتیکی، رهنامه فقط آموزش و آموزش می‌دهد. این حالت از آنجا نشئت می‌گیرد که هر سامانه فرماندهی یک هدف ساده دارد: ایجاد هم‌سویی صحیح، اقتدار و مسئولیت در میان سطوح مختلف در یک سلسله‌مراتب نظامی (کوروم، ۱۹۹۳: ۳۹). کلمه آلمانی Befehlstaktik (تاکتیک‌های مبتنی بر دستورات) به همین مفهوم رهنامه نظامی اشاره دارد. این رویکرد محدودکننده به زنجیره فرماندهی اطلاع می‌دهد که چرا، چه زمانی و چگونه عملیات انجام خواهد شد. خوانش دوم، اغلب در آلمانی با عنوان Auftragstaktik (تاکتیک‌های مبتنی بر مأموریت) خوانده می‌شود. این رویکرد به زنجیره فرماندهی اطلاع می‌دهد که چرا و چه زمانی عملیات انجام خواهد شد؛ اما به‌طور انتقادی، «چگونگی» را به ابتکار افسران در ساختار فرماندهی تفویض می‌کند (بلک، ۲۰۱۷: ۴۵).

1. United States Army Field Manuals
2. NATO
3. AAP-6, The NATO Glossary of Terms and Definitions
4. Posen



به‌عنوان نکته آخر این بخش، باید در نظر داشت که یک رهنامه به دشمن محدود نمی‌شود بلکه بر متحدان نیز تأثیر می‌گذارد. رهنامه باید به اندازه کافی فراگیر باشد تا متحدان را در خود جای دهد (هنسی، ۱۹۱۱: ۳۴). رهنامه یک زبان مشترک برای متخصصان نظامی فراهم می‌کند تا با یکدیگر ارتباط برقرار کنند؛ زمانی که اطلاعات باید به‌سرعت و با دقت منتقل و به‌طور جهانی درک شوند.

### ۱-۲. راهبرد

راهبرد نظامی طرح یا چهارچوبی فراگیر است که عملیات نظامی را در دستیابی به اهداف خاص هدایت می‌کند. راهبرد نظامی تحت تأثیر عواملی مانند ماهیت درگیری، نقاط قوت و ضعف دشمن، قابلیت‌های نیروهای خودی و زمینه سیاسی که درگیری در آن رخ می‌دهد، قرار دارد. بدون رهنامه، یک راهبرد ممکن است کارساز باشد؛ اما فاقد جهت و هدف است. یک راهبرد بدون رهنامه مانند یک کشتی بدون قطب‌نما است که ممکن است به مقصد مورد نظر خود برسد یا نرسد.<sup>۱</sup>

### ۱-۳ تاکتیک

تاکتیک‌های نظامی، اقدامات خاصی است که توسط نیروهای نظامی برای دستیابی به اهداف خاص مورد استفاده قرار می‌گیرد. تاکتیک‌ها کاربردهای عملی راهبرد و رهنامه نظامی هستند و برای بهره‌برداری از نقاط قوت و ضعف نیروهای خودی و دشمن طراحی شده‌اند. نمونه‌هایی از فنون نظامی عبارت‌اند از کمین، مانورهای جانبی، بمباران توپخانه و استفاده از پوشش و اختفا.

تفاوت اصلی بین راهبرد و تاکتیک در این است که راهبرد به برنامه و جهت کلی یک نبرد یا کمپین مربوط می‌شود، درحالی‌که تاکتیک‌ها بر اقدامات فوری توسط سربازان در زمین برای دستیابی به اهداف خاص متمرکز است.

1. Barry buzan, (1978). An introduction to strategic studies. Military technology and international relations, (Basingstoke: macmillan in association with the international institute for strategic studies

در نگاهی یکپارچه، رهنامه نظامی بدون راهبرد، یک نقشه راه بدون مقصد است؛ جهت و راهنمایی ارائه می‌دهد؛ اما بدون هدف مشخص قادر به دستیابی به موفقیت واقعی نیست. راهبرد بدون تاکتیک صرفاً یک ایده انتزاعی و یک تلاش، بدون هیچ‌گونه گام عملی برای دستیابی به هدف است. اگر تاکتیک بدون یک راهبرد اجرا شود، نتیجه تضمین شده نیست و ممکن است وضعیت مطلوب را به‌همراه نداشته باشد؛ مثل این‌که یک تیم ورزشی بر پیروزی در بازی‌های گروهی بدون برنامه‌ریزی منسجم برای کسب عنوان قهرمانی تمرکز کند.

#### ۱-۴. معرفی رهنامه اختاپوس

از نظر روابط لشگری و کشوری هم‌چنانکه «آموس پرلموتر»<sup>۱</sup> می‌گوید، اسرائیل را می‌توان ساختار سیاسی مدرنیزه‌ای تلقی کرد که تصمیم‌گیری درخصوص جنگ و صلح را به مقامات غیرنظامی واگذار کرده و تنها در صورت لزوم با افسران نظامی حرفه‌ای مشورت می‌کند؛ البته این بدان معنی نیست که ارتش صهیونیستی از نقش استثنایی برخوردار نبوده و نمی‌تواند از کانال‌های موجه رسمی برای نقش‌آفرینی در زمینه مسائل نظامی استفاده کند.

مشارکت ارتش در فرایند تصمیم‌گیری دولتی از طریق شرکت رئیس ستاد در نشست‌های دولت انجام می‌شود. البته در دهه‌های ابتدای تشکیل اسرائیل، نخست‌وزیر به‌طور غالب (سنتی که توسط بن‌گوریون پایه‌گذاری شد) وزیر دفاع نیز بوده است (این امر نشانه اهمیت ویژه امور نظامی و امنیتی بر دولت هست). اگرچه این سنت را «موشه دایان»<sup>۲</sup> با منصوب شدن به سمت دفاع در سال ۱۹۶۷ شکست با این‌حال، در صورت بروز اختلاف بین رئیس ستاد و نخست‌وزیر، نظر نخست‌وزیر غلبه دارد و رئیس ستاد از تصمیمات دولت تبعیت خواهد کرد. او حداکثر می‌تواند استعفا دهد (پرلموتر، ۱۹۶۹: ۴۹). واقعیت و روابط فوق بدان معنی است که مهم‌ترین عنصر در فرایند رهنامه سازی، نخست‌وزیر است هرچند که نظر ارتش و کارشناسان دفاعی نیز از اهمیت برخوردار است. پیش از معرفی رهنامه اختاپوس

1. Amos Perlmutter

2. Moshe Dayan



باید در نظر داشت که انتساب کلمه رهنامه به یک فرد و یا تعبیر منتخب او بیانگر زمان اجرای اصول رهنامه ملی و یا نظامی در یک کشور توسط فردی خاص و نه معتقدات شخصی اوست. رهنامه اختاپوس اولین بار توسط «نفتالی بنت»<sup>۱</sup>، نظامی و سیاستمدار (نخست‌وزیر سابق) افراطی<sup>۲</sup> طرح شد. او در تشریح رهنامه خود چنین می‌گوید: «ما در حال اجرای رهنامه اختاپوس هستیم. ما دیگر با شاخک‌ها<sup>۳</sup>، با نیابت‌های ایران بازی نمی‌کنیم. ما با سر به سر کردن، معادله جدیدی ایجاد کرده‌ایم».

بنت در گفت‌وگو با اکونومیست پس از نزدیک به یک سال نخست‌وزیری، توضیح داد که چگونه اسرائیل و سرویس‌های مخفی آن در حال افزایش خطرات در جنگ سایه‌ای هستند که برای نزدیک به چهار دهه با ایران به گونه‌ای دیگر پیش می‌رفت.<sup>۴</sup> البته با نگاه به سوابق نفتالی بنت مشخص می‌شود که او در دوران پیش از نخست‌وزیری خود نیز همواره بر آغاز تقابل مستقیم با جمهوری اسلامی ایران اصرار ورزیده است. بنت در دوران تصدی وزارت آموزش هم رهنامه اختاپوس خود را برای مقابله با چالش‌های

۱. او سیزدهمین نخست‌وزیر دولت جعلی اسرائیل از ۱۳ ژوئن ۲۰۲۱ تا ۳۰ ژوئن ۲۰۲۲ به حساب می‌آید. او از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۸ حزب دست راستی خانه یهودی را رهبری کرده، از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ به عنوان وزیر آموزش اسرائیل در کابینه حضور داشته، از ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۰ به عنوان وزیر دفاع اسرائیل مشغول به فعالیت بوده و اکنون رهبری حزب یامینا (از احزاب راست) را بر عهده دارد.  
 ۲. وی در سال ۱۹۹۰ به خدمت سربازی در نیروهای دفاعی اسرائیل اعزام شد. برخی از اقدامات بنت به عنوان کماندوی نیروهای ویژه بحث‌برانگیز هستند. به ویژه بمباران یک مجتمع سازمان ملل متحد که در آن غیر نظامیان به آن پناه برده بودند، رویدادی بود که به کشتار جمعی قانا معروف شد. روزنامه‌نگار یگال سارنا در این خصوص استدلال کرد که بنت در هنگام انجام عملیات در یگان کماندویی مگلان قضاوت ضعیفی از خود نشان داده است. سارنا استدلال کرد که بنت یک نیروی ۶۷ نفره از نیروهای جنگی را به لبنان هدایت کرد. در یک زمان خاص، او تصمیم گرفت که دستورها را نادیده بگیرد و برنامه‌های عملیاتی را تغییر دهد بدون اینکه این اقدامات را با مافوق خود که از نظر او ترسو بود و به اندازه کافی ثابت قدم نبود تغییر دهد. در نزدیکی روستای کفر کنا، نیروهای بنت در کمین گرفتار شدند ... ۱۰۲ غیرنظامی کشته و ۱۰ نفر زخمی شدند که چهار نفر از آن‌ها حافظ صلح سازمان ملل بودند. بنت پاسخ داد: «من اکنون مورد حمله قرار گرفته‌ام» و گفت: «من مسئله قتل‌عام در کفر کنا هستم. قهرمانی مورد بررسی قرار نخواهد گرفت. به بایگانی‌ها نگاه کنید. پرونده نظامی من برای بررسی در دسترس است و منتظر شما است».

<https://www.israelnationalnews.com/news/192648>

۳. از نظر اسرائیل شاخک‌های اصلی به اصطلاح، حزب الله لبنان، حماس و جهاد اسلامی فلسطین در غزه و سرزمین‌های اشغالی هستند.

۴. (middle-east-and-africa/2022/06/08/israels-prime-minister-explains-his-new-approach-to-iran) (۸ ژوئن

۲۰۲۲)، برگرفته از لینک: <https://www.economist.com>

چندبُعدی ناشی از ایران ارائه کرده بود. او در سخنانی همراه با استعاره‌های ترکیبی و متوهمانه، ایران را با باتلاقی برابر دانسته که به خانه انبوهی از پشه‌ها تبدیل شده که هدفشان نیش زدن و یا به چنگ آوردن اسرائیل است.

در نگاهی کلی، سخنرانی‌های بنت در تشریح رهنامه‌اش شامل موارد زیر می‌شود: سخنرانی در تاریخ ۹ فوریه ۲۰۲۰: «ما در حال تغییر دادن به ضربه زدن به سر اختاپوس هستیم؛ من لزوماً در مورد جنگ تمام‌عیار فردا با ایران صحبت نمی‌کنم. این ایده بیشتر شبیه جنگ سرد بین اتحاد جماهیر شوروی و ایالات‌متحده با دو قدرت منطقه‌ای اسرائیل و ایران است».

سخنرانی در تاریخ ۱۱ فوریه ۲۰۲۰: «زمانی که شاخک‌های اختاپوس به شما برخورد می‌کنند، باید نه تنها با شاخک‌ها مقابله کنید، بلکه باید مطمئن شوید که سر اختاپوس را نیز خفه کردید و این در مورد ایران نیز صدق می‌کند. ما سال‌ها در لبنان، سوریه و نوار غزه علیه شاخک‌های ایران جنگیده‌ایم؛ اما تمرکز کافی بر تضعیف خود ایران نداشته‌ایم. اکنون در حال تغییر پارادایم هستیم، اکنون درگیر تلاش مستمر برای تضعیف اختاپوس ایرانی از طریق اقدامات اقتصادی، دیپلماتیک و اطلاعاتی و همچنین با ابزار نظامی و رویکردهای مختلف هستیم».

سخنرانی در تاریخ ۸ مارس ۲۰۱۸: «آنچه من در اسرائیل برای آن اصرار دارم این است که انرژی خود را بر مهار ایران با ابزارهای دیپلماتیک، اقتصادی و سایر ابزارها متمرکز کنیم زیرا آن‌ها تا به امروز مصون بوده‌اند. ما با بازوهای آن‌ها می‌جنگیم؛ اما نه با سر آن‌ها. این وضعیت به نوعی نامتقارن است»<sup>۱</sup>

طبق آنچه آورده شد، ذاتی رهنامه اختاپوس این تصور است که مطمئناً بخش زیادی از جنگ اسرائیل با ایران در کشورهای ثالث در حال وقوع است؛ اما باید تغییر تدریجی به سمت به اصطلاح سر اختاپوس صورت گیرد.

۱. (us-israel-iran-war) (۱ مارس ۲۰۲۳)، برگرفته از لینک: <https://theintercept.com>



اگر گزارش‌های رسانه‌ها مبنی بر این‌که اسرائیل در پس حمله ۴ فوریه ۲۰۲۳ به تأسیسات صنعتی در اصفهان<sup>۱</sup> و همچنین دو حمله دیگر به کاروان‌های تسلیحاتی در مرز سوریه و عراق قرار دارد، درست باشد، این رهنامه اکنون توسط دولت جدید بنیامین نتانیاهو به‌عنوان شیوه عمل در درگیری با ایران پذیرفته شده و ادامه دارد.

درواقع اسرائیلی که سال‌ها «کمپین بین جنگ‌ها»<sup>۲</sup> را برای جلوگیری از نفوذ ایران در مرز اسرائیل با سوریه به راه انداخته بود از سال ۲۰۲۲، این کارزار را به صحنه‌ای بسیار حساس‌تر یعنی عراق گسترش داد. هم‌اکنون رهبران اسرائیل تمایل بیشتری به اذعان علنی دارند که رژیم صهیونیستی پشت این حملات است؛ در چنین وضعیتی اسرائیل جنگ سایه با ایران را به یک درگیری آشکار و مستقیم تبدیل می‌کند.<sup>۳</sup>

### ۱-۵. تطبیق مفاد رهنامه اختاپوس با برخی اصول ثابت رهنامه اسرائیل

ارائه رهنامه اختاپوس توسط بنت، برگرفته از برخی اصول ثابت و منابع الهام‌بخش به رهنامه نظامی رژیم صهیونیستی است که در ادامه به تبیین مهم‌ترین آن‌ها خواهیم پرداخت.

#### ۱-۵-۱. انتقال جنگ به سرزمین دشمن

قانون آهنین رهنامه نظامی اسرائیل کشاندن جنگ به سرزمین دشمن است. این انتقال هم نوعی راهبرد جنگی بهینه است، هم مناسب‌ترین راه دستیابی به اهداف و از همه مهم‌تر ابزاری برای بازدارندگی. این اصل در کوتاه‌سازی جنگ هم مؤثر است. در انتقال جنگ به

۱. اگرچه طبق معمول هیچ‌کس مسئولیت حملات غافل‌گیرکننده هواپیماهای بدون سرنشین را که باعث انفجار در اصفهان شد به عهده نگرفت، مقامات آمریکایی به سرعت به رسانه‌های بین‌المللی اطلاع دادند که معتقدند اسرائیل این حملات را انجام داده است. نیویورک تایمز به نقل از مقامات ارشد اطلاعاتی آمریکا مدعی شد که این کار موساد بوده است.

(۱ ژوئیه ۲۰۲۲)، برگرفته از لینک: <https://www.rand.org/blog/an-israeli-escalation-against-iran.html>

۲. استراتژی «جنگ بین جنگ‌ها» بر این فرض استوار است که اسرائیل هر چند سال، یک درگیری قابل توجه و موقتی را با محور مقاومت اعم از حماس، حزب الله یا ایران تجربه می‌کند. هدف این استراتژی به تأخیر انداختن هرچه بیشتر درگیری و تقویت موقعیت استراتژیک اسرائیل به منظور آماده شدن برای دور بعدی تنش‌ها است. این محتوا در بخش پنجم همین مقاله به تفصیل بررسی خواهد شد.

۳. (۱ ژوئیه ۲۰۲۲)، برگرفته از لینک: [https://www.rand.org/blog/1-\(an-israeli-escalation-against-iran.html\)](https://www.rand.org/blog/1-(an-israeli-escalation-against-iran.html))

زمین دشمن ممانعت از دستیابی به دستاورد قابل اتکا برای دشمن نیز نهفته است (کرمی، ۱۳۸۶: ۷۴).

نمایش قدرت در انتقال جنگ به سرزمین دشمن موجب جلب نظر ابرقدرت‌ها برای پیوند راهبردی با رژیم صهیونیستی هم خواهد شد؛ همچون اتحاد فرانسه با اسرائیل برای تصرف سینا در ۱۹۵۶ و سیطره دوباره ابرقدرت‌ها بر سوئز.

علاوه بر این‌ها کشاندن جنگ به سرزمین دشمن باعث می‌شود منابع مالی کشورهای متخاصم صرف سامانه‌های دفاعی شود تا تهاجمی؛ در نتیجه دفاع ثابت برای اسرائیل مناسب نیست چراکه دفاع خلاقیت را از ارتش کوچک و چابک اسرائیل می‌گیرد.

در گذشته کشاندن جنگ به سرزمین دشمن موجب در اختیار داشتن «برگ معامله اراضی برای اسرائیل» می‌شد. بخشی از روند سازش با اعراب بر همین اساس بود؛ اما در حال حاضر اشغال اراضی عاملی برای تأخیر سازش است.<sup>۱</sup>

### ۱-۵-۲. بازدارندگی به وسیله پیش‌دستی

طرف ضعیف‌تر (اسرائیل) باید اصل ضربه اول و قواعد جنگ ترکیبی را رعایت کند. در جنگ، اسرائیل اولین طرف استفاده‌کننده از نیروی هوایی است. اسرائیل همواره باید برای جنگ در چند جبهه وارد شود و به همین دلیل جنگ با ضربه اسرائیل به رژیم خطرناک‌تر شروع می‌شود. طبق اصول رهنامه نظامی اسرائیل ضربه پیش‌گیرانه باید از هوا صورت گیرد. در واقع اصل پیش‌دستی پس از عملیات سینا جزو رهنامه نظامی اسرائیل شد. برخلاف مقوله انتقال جنگ به سرزمین دشمن در دوران معاصر (در رهنامه نظامی معاصر اسرائیل کم‌تر به انتقال جنگ به کشورهای همسایه پرداخته می‌شود)، این مؤلفه همچنان در بین حکمرانان اسرائیل اتفاقی است. در جنگ یوم کیپور با توجه به هزینه‌ها و خسارت‌ها همه به ضرورت ثبات ضربه پیش‌دستانه در رهنامه نظامی واقف شدند (برچر، ۱۹۷۲: ۶۵).

1. Yigal Allon, "Masah She Hol", p 66.



### ۱-۵-۳. جنگ برای اهداف راهبردی

به دلیل وضعیت خاص اسرائیل، امنیت با تصرف اهداف راهبردی در قلب سرزمین دشمن تأمین می‌شود (هورین، ۱۹۸۱: ۳).

#### ❖ رویکرد غیرمستقیم (بهره‌گیری از اقدامات غیرمنتظره در بعد فضا، زمان و جهت)

منظور از رویکرد غیرمستقیم راه‌کارهایی هست که با حداقل هزینه ما را به اهداف خودمان برساند. در این شیوه بر اجتناب حداکثری از برخورد نظامی با حریف تأکید شده و به سایر عوامل اعم از دیپلماسی و اقتصاد تکیه می‌شود. در جبهه جنگ، اما رویکرد غیرمستقیم یک روش آفندی است که اساس آن اجتناب از اقدام تک جبهه‌ای علیه دشمن است. رویکرد غیرمستقیم متضمن همه راهبردها و تاکتیک‌هایی است که مبتنی بر خط سیر غیرمنتظره باشد. جنگ مانوری روی دیگر سکه جنگ غیرمستقیم است. هدف هر دو قرار دادن دشمن در وضعیت جنگی نامناسب است. در ۱۹۴۸ ارتش اسرائیل، مصر را با استفاده از رویکرد غیرمستقیم از نقب بیرون راند (رودمن، ۲۰۰۱). این دو روش باعث کوتاه شدن جنگ می‌شوند؛ همچنین بر ارزش نیروی انسانی متخصص و تکنولوژی برتر می‌افزاید.

### ۱-۵-۴. اصرار بر تنبیه متخاصم

حملات کماندویی به عمق خاک رقیب برای ایجاد رعب، گیج کردن و اجبار به سازش است. انباشت شکست در جنگ برای اعراب راه سازش را به آن‌ها نشان می‌دهد. بازدارندگی مبتنی بر تنبیه یا جلوگیری از جنگ از مفروضات اساسی رهنامه نظامی اسرائیل و از عوامل گرفتن انگیزه تهاجم از اعراب است (گیوهان، ۱۳۸۲: ۲۵).

### ۲. معرفی راهبرد مرگ با هزاران بریدگی ذیل رهنامه اختاپوس

نفتالی بنت، هم‌راستا با مطامع مطرح شده ذیل رهنامه اختاپوس، در ۲۸ آگوست ۲۰۲۱ طی دیدارش با جو بایدن رئیس‌جمهور آمریکا در کاخ سفید از راهبرد جدیدی به نام «مرگ با

هزاران بریدگی»<sup>۱</sup> یاد کرد. اولین پوشش خبری از این راهبرد بنت، گزارش خبرگزاری بلومبرگ در ۲۳ آگوست ۲۰۲۱ به قلم «پائول والاک»<sup>۲</sup> است. براساس این برنامه، تل‌آویو به دنبال تأمین مقاصد رهنامه اختاپوس از طریق راهبردی نو به نام مرگ با هزاران بریدگی است.<sup>۳</sup> نویسنده در مورد پشت‌صحنه این دیدار خاطرنشان کرده برنامه ارائه‌شده توسط بنت به بایدن شامل مقابله با ایران از طریق ترکیبی از اقدامات کوچک در چند جهت اعم از نظامی و دیپلماتیک، به جای یک حمله چشم‌گیر است. او در ادامه به نقل از بنت مدعی شده اختلاف بین رژیم صهیونیستی و ایران امروز با جنگ بین آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی در دوران جنگ سرد قابل مقایسه است، به گونه‌ای که بنت، رژیم صهیونیستی را آمریکای منطقه و ایران را اتحاد جماهیر شوروی معرفی می‌کند.

در تحلیلی مشابه و به گفته دیگر مقام اسرائیلی در مصاحبه‌اش با خبرگزاری آینده<sup>۴</sup> به تاریخ ۷ سپتامبر ۲۰۲۱ که از افشای نامش امتناع کرده راهبرد اسرائیل برای بازدارندگی ایران با عنوان مرگ با هزار بریدگی براساس مجموعه‌ای از فعالیت‌های کوچک مقیاس با استفاده از روش‌های مختلف غیر از انجام عملیات نظامی سنتی است. این مقام مسئول توضیح داده که اسرائیل همیشه باید خاری در گردن ایران باشد، حتی اگر این طرح زمان ببرد. به طور خلاصه، طرح بنت مبتنی بر ایجاد مرگ آهسته به جهت تلاش‌های ایران برای داشتن تسلیحات هسته‌ای، با انجام عملیات و گام‌های خاص، شاید با کمک آمریکا، با هدف فرسودگی ایران و نابودی تدریجی ظرفیت تهران است. این راهبرد از طریق ترکیبی از اقدامات کوچک در چندین جبهه - اعم از نظامی و دیپلماتیک - به جای یک حمله دراماتیک است.<sup>۵</sup> در میان نشریات داخلی اسرائیل، تارنمای تریبون راهبردی اورشلیم در اکتبر ۲۰۲۱ در ضمن مقاله‌ای

1. Death By a Thousand Cuts

2. Paul Wallace

۳. (israel-to-pressure-biden-to-scrap-nuclear-talks-iran-snapshot) (۲۳ آگوست ۲۰۲۱)، برگرفته از لینک: [bloomberg.com/news/articles/2021-08-23](https://bloomberg.com/news/articles/2021-08-23)

4. Futureuae

۵. (death-by-a-thousand-cuts-bennetts-strategy-to-counter-irans-nuclear-program) (۷ سپتامبر ۲۰۲۱)، برگرفته از لینک: [/https://futureuae.com/en-US/Mainpage/Item/6645](https://futureuae.com/en-US/Mainpage/Item/6645)



منتقدانه به قلم «جان لمبرت»<sup>۱</sup> با عنوان «مواجهه با ایران همچنان متخاصم؛ پنج درسی که باید برای مبارزه با گربه‌ای که در گوشه‌ای به دام افتاده آموخت» به بررسی راهبرد مرگ با هزاران بریدگی پرداخته است.

لمبرت در تحلیلی جالب ذیل عنوان «درس چهارم: اهداف طرف مقابل را بشناسید» با تأکید بر این که برای هر مذاکره، دانستن آنچه طرف مقابل می‌خواهد برخلاف آنچه می‌گوید، اساسی است، اظهار کرده وقتی رهبران سیاسی ایران، عباراتی نظیر مرگ با هزار بریدگی را از پایتخت‌های کشورهای خارجی می‌شنوند، نسبت به غرب بدبین شده و بیشتر به سیاستی که در قبال آن‌ها پیش گرفتند مصمم می‌شوند. وی در پایان مقاله با اشاره به بیت‌ی از سعدی، ایران را به گربه‌ای که در گوشه‌ای گیر افتاده تشبیه کرده و نوشته است: «هشت قرن پیش سعدی شاعر فرهیخته فارسی‌زبان شیرازی به ما هشدار داد: «نبینی که چون گربه عاجز شود، برآرد به چنگال، چشم پلنگ» و ما (صهیونیست‌ها) امروزه باید به حکمت او توجه کنیم».<sup>۲</sup>

## ۱-۲. نسبت میان رهنامه اختاپوس و راهبرد نبرد بین جنگ‌ها

برای توضیح راهبرد بین جنگ‌ها در این بخش، از گزارش منتشر شده توسط مؤسسه «مطالعات امنیت ملی اسرائیل»<sup>۳</sup> با عنوان «راهبرد نبرد بین جنگ‌ها در یک چهارراه»<sup>۴</sup> استفاده می‌شود. اگرچه انتشار اولیه گزارش قبل از عملیات طوفان‌الاقصی و به زبان عبری بوده، اما حدود یک ماه پس از آغاز عملیات در ۷ اکتبر ۲۰۲۳، متن دوباره به زبان انگلیسی بازگردانده شده که نشان از ارزیابی مجدد این سند و مفاد راهبرد نبرد بین جنگ‌ها پس از طوفان‌الاقصی دارد.

1. John Limbert

۲. (Dealing With a (Still) Hostile Iran: Five Lessons to Be Learned and a Cornered Cat). (۱ اکتبر ۲۰۲۱)،

برگرفته از لینک: [jstribune.com/limbert-dealing-with-a-still-hostile-iran](http://jstribune.com/limbert-dealing-with-a-still-hostile-iran)

3. Institute for National Security Studies (INSS).

4. The Campaign Between Wars at a Crossroads.

نویسندگان این سند دو تن از تحلیل‌گران برجسته امنیتی، نظامی و اطلاعاتی صهیونیستی به نام‌های «اوفر شله و کارمیت والنس»<sup>۱</sup> هستند.<sup>۲</sup>

از ۱۹۴۸ تا ۱۹۸۰ میلادی، آموزه‌های دیوید بن‌گوریون<sup>۳</sup> تأثیر عمده‌ای بر تفکر راهبردی در اسرائیل داشت و تا به امروز نیز به میزان قابل توجهی این نفوذ ادامه دارد. این اندیشه برآیند محیط راهبردی اسرائیل در سال‌های اولیه پیدایش خود بوده است.

درواقع رهنامه نظامی کلاسیک اسرائیل (۱۹۴۸ تا حدود ۱۹۸۰)، تصویری ترکیبی از مفاهیم اولیه مطرح شده توسط بن‌گوریون و برخی اضافات است که در دهه‌های اولیه تأسیس رژیم جعلی اسرائیل ایجاد شدند. طبق این رهنامه بهترین جنگ، جنگی است که در عمل هرگز رخ ندهد؛ اسرائیل نمی‌تواند با استفاده از نیروی نظامی به اهداف سیاسی خود دست یابد بنابراین بازدارندگی به محور رهنامه نظامی کلاسیک تبدیل شد. بازدارندگی باید هم از طریق جنگ‌های تمام‌عیار و هم از طریق رویارویی‌های نظامی محدود و مداوم مانند حملات تلافی‌جویانه و عملیات ویژه به دست آید.

فرض رهنامه دفاعی کلاسیک این بود که دشمنی اعراب آن‌قدر عمیق است که بازدارندگی اسرائیل هرچند سال یک‌بار شکست می‌خورد و جنگ‌ها دوباره آغاز می‌شود بنابراین تصمیمات نظامی برای بازگرداندن بازدارندگی ناموفق پیشین و طولانی‌تر کردن آرامش بین جنگ‌ها و نه پایان دادن به درگیری‌ها طراحی شده بود.

برای پایان دادن به هر دوره جنگ، یک پیروزی آشکار طراحی شده، چراکه هیچ‌چیز دیگری اثر بازدارندگی مورد نظر اسرائیل مبنی بر بیهوده بودن تلاش‌های اعراب برای نابودی اسرائیل را مهیا نمی‌کرد. اگرچه این رهنامه اساساً از نظر راهبردی دفاعی است؛ اما از نظر

۱. «اوفر شله» (Ofer shelah) محقق ارشد و رئیس برنامه نظامی در مؤسسه مطالعات امنیت ملی بوده که از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۹ به‌عنوان عضو کمیته امور خارجی و دفاعی پارلمان اسرائیل فعالیت کرده است. «کارمیت والنس» (carmit valensi) محقق ارشد و رئیس برنامه جبهه شمالی در مؤسسه مطالعات امنیت ملی و یکی از نویسندگان کتاب «مرثیه سوریه: جنگ داخلی و پیامدهای آن» است.

2. <https://www.inss.org.il/publication/the-war-between-the-wars>.

3. David Ben-Gurion



عملیاتی تهاجمی ارزیابی می‌شود؛ لازمه این رویکرد ایجاد فضای ابهام و زمینه‌سازی امکان انکار به‌منظور جلوگیری از تشدید تنش‌های احتمالی است.

در ادبیات دفاعی-امنیتی اسرائیل از این رویه با عنوان راهبرد نبرد بین جنگ‌ها یاد می‌شود. در واقع راهبرد نبرد بین جنگ‌ها امکان مهار طرف مقابل را برای اسرائیل فراهم می‌کند در حالی که از آستانه جنگ تمام‌عیار نیز عبور نخواهد کرد و نتیجه آن به تعویق انداختن جنگ بزرگ بعدی خواهد بود.<sup>۱</sup>

این رویه تقریباً تمام تفکرات راهبردی اسرائیل را هدایت می‌کند (فرلیچ، ۲۰۱۸: ۱۴). از زمان تأسیس دولت جعلی اسرائیل تا به امروز، محافل اندیشه‌ورز رژیم صهیونیستی در حوزه دفاع و امنیت همواره به بررسی موشکافانه راهبرد نبرد بین جنگ‌ها به‌عنوان یکی از راهبردهای نهادینه شده در اسرائیل طی مقاطع مختلف تاریخی خود می‌پردازند.

در سال‌های ابتدایی اجرای این راهبرد، سیاست‌مداران اسرائیلی نسبت به خود راهبرد نبرد بین جنگ‌ها و پیامدهای آن در مورد جمهوری اسلامی ایران، سوریه و لبنان بسیار خوش‌بین بودند؛ در گذر زمان اما دیدگاه‌ها به راهبرد نبرد بین جنگ‌ها و میزان کارآمدی آن تغییر کرد؛ به‌عنوان مثال «شای شبتای»<sup>۲</sup> مدیر بخش برنامه‌ریزی ارتش اسرائیل در مقاله‌ای مدعی شد که در نبرد بین جنگ‌ها، ارتش اسرائیل براساس مجموعه‌ای از اصول عمل می‌کند که برخی از آن‌ها قدیمی و منسوخ گشته‌اند و در نتیجه هم‌گرایی لازم بین اصول برای تشکیل یک رهنامه منسجم وجود ندارد.

«زمان آن فرا رسیده است که ارتش اسرائیل رهنامه جدید و با توجه به اقتضائات فعلی تدوین کند».<sup>۳</sup>

کشورهای محور مقاومت نیز با فراگیری راهبرد نبرد بین جنگ‌ها، دست به اقداماتی متقابل برای خنثی‌سازی تهدیدات اسرائیل زدند. از این سلسله اقدامات در ادبیات دفاعی-

1. <https://www.inss.org.il/publication/war-between-the-wars-syria>.

2. Shay Shabtai.

3. Col. Shay Shabtai, "The Concept of the Campaign Between Wars," *Maarchot* 445, October 2012 [Hebrew]. برگرفته از لینک: "The Concept of the Campaign Between Wars," *Maarchot* 445, October 2012 [Hebrew]

امنیتی اسرائیل با عنوان «ضد راهبرد نبرد بین جنگ‌ها»<sup>۱</sup> یاد می‌شود. حضور نیروهای روسیه در سوریه پس از حضور داعش، استقرار و تثبیت نظام سوریه، تقویت قوای محور مقاومت، گسترش نفوذ ایران و تداوم روند خروج آمریکا که عامل تغییرات چشم‌گیری در نظام منطقه‌ای بود، از این دست اقدامات تقابلی مقاومت محسوب می‌شوند.

### ۳. واکاوی تأثیرات رهنامه اختاپوس بر راهبرد نبرد بین جنگ‌ها و سطوح تاکتیکی

با استناد به وعده نفتالی بنت برای دنبال کردن رهنامه اختاپوس از طریق راهبرد مرگ با هزار بریدگی علیه ایران، به نظر می‌رسد که اسرائیل در سطح تاکتیکی فهرست اهداف ایران را به فراتر از برنامه هسته‌ای گسترش داده تا اهداف مرتبط با هواپیماهای بدون سرنشین و برنامه‌های موشکی تهران را نیز در برگیرد.<sup>۲</sup>

اما به عقیده «جاناتان شانزر»<sup>۳</sup> هیچ پیروزی در این نوع درگیری تاکتیکی وجود ندارد، زیرا این سنخ از جنگ در میدان جنگی مانند «واترلو»<sup>۴</sup> پایان نمی‌یابد، بلکه در دیگر نقاط بروز خواهد یافت.<sup>۵</sup>

حتی با قبول این امر که عملیات ابتننا شده بر رهنامه اختاپوس موفقیت‌های تاکتیکی به‌همراه داشته‌اند، کم‌تر مشخص است که آیا آن‌ها دستاوردهای راهبردی نیز داشته‌اند؟ در برخی موارد، آن‌ها ممکن است تنها خطرات منطقه‌ای را افزایش دهند.

۱. Countercampaign Between Wars.

۲. (article/beware-the-octopus-doctrinejune). (۲۷ فوریه ۲۰۲۲). برگرفته از لینک: <https://thelevantnews.com/en/>

۳. Jonathan Schanzer

۴. نبرد واترلو (Battle of Waterloo)، نبردی است که در ۱۸ ژوئن سال ۱۸۱۵ میلادی، بین قوای فرانسه و قوای ائتلاف هفتم انجام شد. علت خوانده شدن نبرد به این نام، این بود که جنگ در دشت واترلو در کشور بلژیک امروزی انجام گرفت. البته بلژیک در آن زمان بخشی از پادشاهی هلند بود. در این جنگ فرانسه دارای یک ارتش به فرماندهی ناپلئون بود که در مقابل دو ارتش ائتلاف هفتم قرار گرفت. یکی از ارتش‌های ائتلاف به رهبری دوک ولینگتون آرتور ولزلی بود که متشکل از واحدهایی از انگلستان، هلند، هانوفر، برانشوایگ و ناسائو بود و ارتش دیگر به فرماندهی گنهارد بلوشر متعلق به پادشاهی پروس بود. این نبرد، آخرین نبرد ناپلئون بناپارت بود که پایان جنگ‌های ناپلئونی را با خود به همراه داشت.

۵. (interview-next-iranian-threat-israel). (۲۶ مارس ۲۰۲۳). برگرفته از لینک: <https://www.fdd.org/analysis>



طبق تحلیل معاون پژوهشی بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها، در مقابل برنامه‌های رژیم صهیونیستی، جمهوری اسلامی یک راهبرد نو را دنبال می‌کند. اسرائیل به‌طور فزاینده‌ای بر رویارویی با تهدیدات ایران دورتر از اسرائیل متمرکز شد و ایران به دنبال توانمندسازی فلسطینیان ساکن کرانه باختری است. اگر اسرائیل فکر می‌کرد که می‌تواند غزه را نادیده بگیرد، زیرا گنبد آهنین و سایر سامانه‌های دفاعی را دارد، اکنون نبرد به مکان‌هایی مانند جنین کشیده شده است. در تأیید این ادعا از مارس ۲۰۲۲، FDD<sup>۱</sup> حملات افزایش یافته را ردیابی کرده است که تعداد آن‌ها به بیش از ۱۳۰۰ مورد رسیده است؛ در نتیجه اسرائیل که قصد تقابل با جمهوری اسلامی در تهران را داشت اکنون در کرانه باختری با مشکل جدیدی مواجه شده است.<sup>۲</sup>

مقام معظم رهبری در همین رابطه فرمودند: «آن نقطه‌ای که دشمن را به زانو درخواهد آورد، منطقه ساحل غربی است که تاکنون پیشرفت‌های خوبی هم در این منطقه به دست آمده است. چه کسی تصور می‌کرد که روزی جوانان فلسطینی در «جنین» آن قدر عرصه را بر نظامیان صهیونیست تنگ کنند که آن‌ها برای رهایی از محاصره جوانان مبارز مجبور به استفاده از جنگنده شوند؛ اما این اتفاق چند روز پیش در جنین روی داد».<sup>۳</sup> این همه، فارغ از خستگی قوم عاقبت طلب یهود از سال‌ها جنگ و تحمل فشار طاقت‌فرسای جوامع بین‌المللی در خصوص اشغال فلسطین و پایان ظلم بر ملت مظلوم فلسطین است. اشاره به این گفته نورل خالی از لطف نیست که قوم یهود در طول تاریخ مثل کشورهای آلمان و ژاپن نبوده‌اند، بلکه همیشه مشاغل تجارت‌گونه و مستشاری داشته‌اند درحالی‌که برای بقای اسرائیل مجبور به بروز رفتاری برخلاف طینت خود هستند (نورل: ۱۹۹۸: ۱۴۹).

۱. بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها (Foundation for Defense of Democracies) FDD یک اندیشکده نومحافظه‌کار مستقر در واشنگتن است که تمرکز آن بر امنیت ملی و سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا است. گرایش‌های سیاسی آن غیر حزبی، باز جنگ‌طلب یا نومحافظه‌کار توصیف شده‌است. این بنیاد رخدادهایی مانند همایش سالانه‌اش را در واشنگتن، با حضور مقامات، دیپلمات‌ها و نظامیان برگزار می‌کند و به عنوان بخشی از لابی اسرائیل در آمریکا شناخته می‌شود.

۲. (israeli-prime-minister-bennett-iran). (۲۵ آگوست ۲۰۲۱). برگرفته از لینک <https://iranprimer.usip.org/blog>

۳. بیانات معظم له مورخ ۱۴۰۲/۰۳/۳۱ در دیدار با رئیس دفتر سیاسی جنبش مقاومت اسلامی فلسطین حماس و هیئت همراه.

بنابراین اجرای رهنامه اختاپوس با راهبرد مرگ با هزاران بریدگی و گسترش جغرافیای اقدامات تاکتیکی در غرب آسیا علیه تهران در صورت فعال شدن جبهه داخلی (کرانه باختری) بسیار دور از انتظار است.

درخصوص تحولات تاکتیکی راهبرد نبرد بین جنگ‌ها نیز، اشاره به این گفته «افرایم اینبار»<sup>۱</sup> راهبردست برجسته صهیونیست خالی از لطف نیست. به اذعان او سیاست اسرائیل در قبال معارضان خود، استفاده از راهبرد چمن‌زنی است. مصداق بارز چمن‌زنی در قبال حماس و گروه‌های مقاومت در غزه، جنگ‌های چندگانه‌ای است که از سال ۲۰۰۸ تاکنون صورت گرفته است.

«نوآم چامسکی»<sup>۲</sup> فعال سیاسی آمریکایی هم در این خصوص می‌گوید: «یکی از اقدامات دوره‌ای که اسرائیل آن را به صورت لطیفی «چمن زدن» نامیده است، به معنای شلیک به ماهی درون حوض است تا اطمینان حاصل شود که حیوانات در قفسی که برایشان ایجاد شده آرام بگیرند. البته پس از دوره‌ای که آتش‌بس نامیده می‌شود (دوره‌ای که به معنای رعایت آتش‌بس پیشنهادی اسرائیل از سوی حماس است، آن‌هم زمانی که اسرائیل به نقض آن ادامه می‌دهد) شما (اسرائیل) دوباره دوره‌ای از سیاست چمن‌زنی را خواهید داشت».

بر مبنای این راهبرد، اسرائیل همواره از طریق اعمال محاصره شدید اقتصادی از زمین، دریا و هوا تلاش داشت از افزایش قدرت نیروهای فلسطینی حماس و سایر گروه‌های مقاومت در نوار غزه جلوگیری کند و اجازه ندهد که این گروه‌ها به رشد و بالندگی برسند. «راهبرد چمن‌زنی» به معنای نابودی طرف مقابل نیست، بلکه به معنای ضعیف نگه‌داشتن آن است و تل‌آویو در همه سال‌های گذشته تصور داشت که توانسته گروه‌های مقاومت فلسطینی را در نوار غزه با تکیه بر راهبرد چمن‌زنی (اعمال محاصره شدید و بمباران مقطعی) تضعیف کند. پس از سال‌ها اجرای این‌گونه سیاست‌ها ذیل راهبرد نبرد بین جنگ‌ها، مفهوم ضد نبرد بین جنگ‌ها که از سال ۲۰۲۳ توسط محور مقاومت توسعه یافت که شامل دامن زدن به

۱. Efraim Inbar.

۲. Noam chomsky.



جنگ‌های طولانی مدت و فرسایشی علیه اسرائیل، متحد کردن کنشگران ضد اسرائیلی و ایجاد احتمال جنگ منطقه‌ای می‌شود. این اقدامات موازنه راهبردی بین اسرائیل و محور مقاومت را در نبرد بین جنگ‌ها تغییر داده و گاه دستاوردهای این نبرد را نیز تضعیف کرده است.<sup>۱</sup> نقاط ضعف راهبرد نبرد بین جنگ‌ها و اتخاذ رویه نقیض توسط مقاومت، عاملی شده تا کشورهای محور نیز سیاست‌های نظامی و امنیتی خود را تغییر دهند و اقدام دوباره علیه سیاست‌های جدید و خطوط قرمز بازتعریف شده نیز ممکن است سطح تنش را همچون رهنامه اختاپوس افزایش دهد.

همان‌طور که سید حسن نصرالله دبیر کل حزب‌الله لبنان، در سخنرانی خود در سال ۲۰۲۳ از این سیاست پرده برداشت و در پاسخ به اظهارات رئیس اطلاعات نظامی ارتش اسرائیل گفت: «شما کسانی نیستید که تهدید به جنگ تمام‌عیار می‌کنید؛ بلکه ما هستیم که چنین چیزی را مشخص می‌کنیم»<sup>۲</sup>

#### ۴. مقوله تهدید متوازن بین جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی

در بخش پیشین به ارزیابی رویکرد جدید اسرائیل با توجه به ظرفیت‌های موجود در جبهه مقاومت و اقدامات پدافندی تهران پرداخته شد؛ اما در اینجا مسئله تقابل با این رژیم جعلی توسط ایران و نبرد مستقیم واکاوی خواهد شد.

«سوی یوسی منشروف»<sup>۳</sup>، تحلیل‌گر مسائل ایران در خبرگزاری زمن اسرائیل، یکی از راهبردهای جمهوری اسلامی ایران را استفاده از نیروهای نیابتی خود برای آسیب رساندن به اسرائیل و خودداری از درگیری مستقیم معرفی می‌کند.<sup>۴</sup> به زعم او این برداشت از رفتار جمهوری اسلامی ایران خصوصاً سکوت ایران پس از آغاز عملیات طوفان الاقصی اطمینان

۱. <https://alwatan.sy/archives/۳۱۷۷۵۲>

۲. Nasrallah Responds to Head of Military Intelligence: "You Are Not the Ones Threatening War," Walla, May 25, 2023, <https://tinyurl.com/yc2334d5> [Hebrew].

۳. Yosii Menshrof

۴. [www.zman.co.il/447747/](http://www.zman.co.il/447747/)

خاطری در اسرائیل مبنی بر عدم علاقه‌مندی ایران به ورود مستقیم و در نهایت عدم اقدام متقابل در صورت حمله به منافع جمهوری اسلامی ایجاد کرده است.

منشروف شرایط فعلی یاد شده را فرصتی مناسب برای حمله اسرائیل به مستشاران نظامی و نیروهای وابسته به سپاه قدس ایران می‌داند. با گذشت یک هفته از این تحلیل، اسرائیل یکی از فرماندهان ارشد جمهوری اسلامی ایران به نام سید رضی موسوی را در سوریه به شهادت رساند.

در مقاله‌ای دیگر که در اندیشکده مطالعات امنیت ملی اسرائیل توسط «افریم کم»<sup>۱</sup> با عنوان «مفهوم بازدارندگی ایران»<sup>۲</sup> منتشر شده با وجود این که توان موشکی، نیروهای نیابتی و در آستانه هسته‌ای بودن ایران را به عنوان عناصر اصلی بازدارندگی ایران معرفی می‌کند؛ اما در ادامه مدعی شده ایران علاقه‌ای به گسترش درگیری با آمریکا و اسرائیل ندارد و پاسخ‌های تلافی جویانه محدودی در برابر اقدامات آن‌ها می‌دهد. طبق تحلیل این مقاله، همین وضعیت منجر به ایجاد اطمینان خاطری برای اسرائیل جهت انجام حملات بی‌محابا علیه ایران در آینده خواهد شد.

در شرایط فعلی و با شکست بازدارندگی اسرائیل در نبرد طوفان‌الاقصی، مبانی رهنامه نظامی و امنیتی اسرائیل شاهد تحول اساسی خواهند بود. همان‌گونه که به تفصیل مورد بررسی قرار گرفت، طبیعتاً با تغییر خطوط قرمز کلان راهبرد «نبرد بین جنگ‌ها» در محیط پیرامون اسرائیل یا اتخاذ رویه‌هایی همچون «رهنامه اختاپوس» و حمله مستقیم به ایران نه نیروهای نیابتی آن، باید منتظر موج جدیدی از «عملیات ویژه اسرائیل» علیه جمهوری اسلامی ایران در آینده نزدیک بود. اقداماتی نظیر حملات سایبری علیه سامانه توزیع سوخت در داخل کشور و ترور شهید سید رضی موسوی بخشی از این سنخ تحرکات اسرائیل هستند که با کاهش دامنه درگیری در نوار غزه و به‌منظور احیای بازدارندگی از دست‌رفته، شدت بیشتری خواهند گرفت.

1. Ephraim Kam

2. Iran's Concept of Deterrence



## ۵. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

سیاست‌مداران صهیونیست از بدو پیدایش اسرائیل با در نظر گرفتن جغرافیای سیاسی محل وقوع، درگیر شدن در جنگ‌های کوچک و بزرگ را اجتناب‌ناپذیر می‌دانستند و از این رو باهدف طولانی کردن فاصله میان این رویارویی‌ها به راهبرد نبرد میان جنگ‌ها روی آوردند. مهم‌ترین ضابطه فعالیت‌های عملیاتی در نبرد بین جنگ‌ها این است که این فعالیت‌ها تا حد امکان در بُعد عملی و رفتاری، از منطق «ردپای ضعیف» تبعیت کرده و منجر به انفجار اوضاع و وقوع جنگ بزرگ نشود؛ بر همین اساس، اصل اول مدیریت نبرد بین جنگ‌ها اقتضا دارد که این نبرد در منطقه خاکستری باقی بماند، منطقه‌ای که حوادث در آن به صورت سری و غافلگیرکننده روی می‌دهد. در بُعد عملی، این نظریه چهارچوبی مفهومی است که قصد دارد ارزش افزوده‌ای به فعالیت‌های نظامی و امنیتی پراکنده اسرائیل ببخشد.

نبرد میان جنگ‌ها به لحاظ تسهیلگری در رساندن اسرائیل به این اهداف، دوران اوج خود را سپری کرده و به طور فزاینده‌ای عواقب منفی ناخواسته ایجاد کرده است. شکل‌گیری راهبرد ضد نبرد بین جنگ‌ها، یکپارچه شدن محور مقاومت علیه اسرائیل و بالا رفتن احتمال وقوع جنگ در چند جبهه از جمله این پیامدهای منفی ناخواسته به شمار می‌آید.

آیا با توجه به عواقب و پیامدهای منفی و ناخواسته نبرد میان جنگ‌ها، تداوم این راهبرد، کماکان به سود اسرائیل است؟ پاسخ این سؤال با توجه به انگاره‌های موجود در متن این مقاله، منفی است. اقدامات و کارویژه‌های جمهوری اسلامی ایران، علی‌رغم آسیب دیدن از سوی راهبرد نبرد بین جنگ‌ها، هیچ‌گاه متوقف نشده‌اند.

مضاف بر تمامی ناکامی‌های گفته شده بخش عمده ساکنین فلسطین اشغالی متأثر از سال‌ها جنگ، هجمه‌های بین‌المللی و بازگشت به اصل یهودی خود و جاه‌طلبی نسل اول مهاجر به فلسطین را کنار گذاشته‌اند. بین ایدئولوژی صهیونیسم (تمرکزگرایی و تقویت روحیه نظامی) و سنت یهودی (پراکندگی و اشتغال به خدمات فکری و مشاغل مشاوره‌ای) تعارض اساسی وجود دارد.

مسائل جامعه‌شناسی اسرائیل و فرهنگ متشتت ساکنین فلسطین اشغالی نیز در حال بروز تعارض‌ها است. این عوامل فارغ از محدودیت‌های مالی موجب شده رویکردهای تهاجم‌محور و اقتدارگرایانه سیاست‌مداران اسرائیل کنار گذاشته شود و مسائلی اعم از خطوط تثبیت دفاع در عقب در اولویت قرار گیرد؛ به نظر می‌رسد با توجه به روی کار آمدن مجدد نتانیاهو و حضور افرادی از جبهه راست افراطی در کابینه او (همچون بن‌گورین<sup>۱</sup>) آتش نزاع بار دیگر میان شهرک‌نشینان مسلح و گروه‌های مقاومت در درون اراضی اشغالی شعله‌ور شود. در آینده حل مسئله جنگ میان شهرک‌نشینان مسلح افراطی و گروه‌های مقاومت اسلامی مستلزم توجه بیشتر ارتش اسرائیل به مسائل درونی در تدوین رهنامه نظامی‌اش خواهد شد؛ در نتیجه با قبول این‌که دفع خطر محتمل عقلانی‌ترین اقدام است؛ اما معضل توانمندی ساکنین کرانه باختری و شروع مبارزه فلسطینیان ساکن کرانه با صهیونیست‌ها کاهندگی زیادی را برای اجرای رهنامه متوهمانه اختاپوس و یا پیاده‌سازی راهبرد مرگ با هزاران بریدگی برای جمهوری اسلامی ایران به بار خواهد آورد.

عوامل گفته شده متوجه راهبرد نبرد بین جنگ‌ها نیز هست و اندیشمندان حوزه دفاع و امنیت در باز طراحی این راهبرد با مشکلات گفته شده مواجه خواهند بود. در پایان باید بدین ضرورت تأکید کرد که با وجود محدودیت‌های گفته شده، شبکه منسجم مقاومت و اقدامات پدافندی گسترده در سطح کشور، مانع از توجه جمهوری اسلامی ایران به برقراری تهدید متوازن و تلاش برای زمینه‌سازی اقدامات بازدارنده و دقیق در عین اجتناب از وقوع جنگ گسترده نیست.

۱. ایتمار بن‌گورین (غفیر) وزیر امنیت ملی رژیم صهیونیستی. او به سال ۱۹۷۶ در اورشلیم به دنیا آمد. پدر و مادرش مهاجران یهودی عراقی بودند. در ۱۶ سالگی به «کاخ» ملحق شد (جنبش ملی‌گرای افراطی‌ای که آمریکا آن را یک سازمان تروریستی محسوب می‌کند). رهبری کاخ را «مئیر کاهان» به عهده داشت؛ ملی‌گرای خشونت‌طلب و عرب‌ستیزی که خواستار سلب تابعیت اعراب اسرائیلی شده بود. «باروخ گلدشتاین» یکی دیگر از طرفداران کاخ، همان کسی است که سال ۱۹۹۴ در مسجدی [در شهر الخلیل] در کرانه باختری اشغالی ۲۹ فلسطینی را به شهادت رساند.



## ۵-۱. پیشنهادهای پژوهش

کلید اصلی حل مسئله فلسطین و نقطه به زانو درآمدن رژیم صهیونیستی منطقه کرانه باختری رود اردن و کمک به شدت گرفتن رویکرد مقاومت در این بخش از فلسطین است؛ از همین رو اقدام اول درخصوص مقابله با رژیم صهیونیستی کمک هرچه بیشتر به گروه‌های مقاومت در کرانه است. ناکارآمدی تشکیلات خودگردان در کرانه و محبوبیت روزافزون حماس زمینه‌ساز تسهیل این امر خواهند بود.

از بین رفتن توازن تهدید از سوی جمهوری اسلامی و کاهش بازدارندگی نسبت به اسرائیل در آینده زمینه حملات بیشتر علیه منافع جمهوری اسلامی ایران در منطقه را ایجاد خواهد کرد. به نظر می‌رسد رویکرد تقابل مستقیم و آغاز حملات کاملاً متوازن و سنجیده در برابر تحرکات تروریستی رژیم صهیونیستی اقدام دوم درخصوص مهار رویکرد جدید اسرائیل باشد.

می‌توان به ترور شهید سید رضی موسوی از منظری دیگر نگریست. امکان دارد اسرائیل با شهادت ایشان از طریق «کنترل بازتابی» به دنبال تعیین گام بعدی جمهوری اسلامی ایران باشد، طوری که اقدام متقابل ایران منجر به گسترش دامنه درگیری و ورود آمریکا یا ائتلاف‌های هم‌سو با اسرائیل به جنگ با ایران شود. امکان پاسخ از درون سرزمین‌های اشغالی دور از ذهن نیست؛ اقدامات افراط‌گرایانه شهرک‌نشینان در کرانه خصوصاً پس از عملیات طوفان الاقصی موجب برانگیختن احساسات و ارزش‌های اخلاقی برخی صهیونیست‌ها از چپ افراطی شده است. در تاریخ کوتاه رژیم صهیونیستی بارها برخی از اعضای چپ اسرائیلی برای مهار تجاوزگری سیاست‌مداران اسرائیل حاکم، اقدام به افشاگری کرده‌اند؛ آنچه گفته شد یک ظرفیت برای آفند اطلاعاتی است.

اگرچه شهرک‌نشینان در رهنامه نظامی کلاسیک یک مزیت تلقی می‌شدند اما در رهنامه مدرن فاقد کارایی و هم‌اکنون یک معضل به شمار می‌آیند. شدت یافتن اقدامات مسلحانه این گروه‌ها به‌همراه جنایات ارتش اسرائیل در غزه پس از طوفان الاقصی تبعات سنگینی را در عرصه بین‌الملل متوجه اسرائیل کرده است. در شرایط فعلی پیگیری تحریم استفاده از

کالاهای اسرائیلی در سطح جهانی از اساسی‌ترین اقدامات تقابلی و محدودیت ساز علیه اسرائیل به حساب می‌آید. شکنندگی اقتصادی در نهایت منجر به ضعف در اقدامات دفاعی و امنیتی خواهد شد.



### فهرست منابع

- حسین، حسینی (۱۳۹۹). *رهنامه نظامی رژیم صهیونیستی*، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین (ع)
- کرمی، جهانگیر (۱۳۸۶). *رهنامه نظامی اسرائیل*، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- والتر، گیوهان (۱۳۸۲). *سیطره زمان، بعد چهارم در جنگ‌های مدرن*، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران.

## References

- Ben. Horin and Posen, (2018). Israels Strategic Doctrine. CHARLES D. FREILICH, Israeli National Security, A New Strategy for an Era of
- bloomberg.com/news/articles/2021-08-23/israel-to-pressure-biden-to-scrap-nuclear-talks-iran-snapshot
- CHARLES D. FREILICH (2018). Israeli National Security, A New Strategy for an Era of Change, Oxford University Press.
- Col. Shay Shabtai, "The Concept of the Campaign Between Wars," Maarchot 445, October 2012 [Hebrew].
- David Rodman, (2001). Israehs national Security Doctrine: An Introductory Overveiw, MERIA (Voh.5,No.3, (Sep.2001).
- Gartner (1999). Scott Sigmund, Strategic Assessment in War, Yale University Press.
- <https://futureuae.com/en-US/Mainpage/Item/6645/death-by-a-thousand-cuts-bennetts-strategy-to-counter-irans-nuclear-program> 07 September 2021
- <https://iranprimer.usip.org/blog/2021/aug/25/israeli-prime-minister-bennett-iran>
- <https://realistreview.org/2022/07/28/the-octopus-doctrine-how-israel-is-making-u-s-iran-nuclear-negotiations-more-difficult/>
- <https://theintercept.com/01/03/2023/us-israel-iran-war/>
- <https://thelevantnews.com/en/article/beware-the-octopus-doctrinejune-14,-2022,-2:27-pm>
- <https://www.arabnews.com/node/2246286>. Iran-Israel tensions: Israel appears to be aiming for the octopus's head
- <https://www.economist.com/middle-east-and-africa/2022/06/08/israels-prime-minister-explains-his-new-approach-to-iran>
- <https://www.fdd.org/analysis/26/03/2023/interview-next-iranian-threat-israel/>
- <https://www.israelnationalnews.com/news/192648>
- <https://www.rand.org/blog/2020/07/an-israeli-escalation-against-iran.html>
- J. Black, (2007). What is war? Some reflections on a contested concept', RUSI Journal 152: 6, Dec. 2007, p. 45.
- J. Corbett (1914). Staff histories, in Naval and military essays (Cambridge: Cambridge University Press.
- [jstribune.com/limbert-dealing-with-a-still-hostile-iran/](https://jstribune.com/limbert-dealing-with-a-still-hostile-iran/) Dealing With a (Still) Hostile Iran: Five Lessons to Be Learned and a Cornered Cat.
- L. H. R. Pope-Hennessy (1911). The British army and the modern conception of war', Edinburgh Review 213: 436.
- London:Frank Cass (1969). Amos Perimutter, Military and Politics in Israel
- Magnus Norell, (1998). Democracy AND dissent: The Case of an Israel Peace Movement, Peace Now, Ph.D Dissertation, Department of political, University of Stockholm.
- Michael Brecher, (1972). TheForeign Policy System Of Israel Political Military Press, p.65. quoted in Michael, The Development of the israelPolitical Military Doctrine, Ibid.,p.279.
- Nasrallah Responds to Head of Military Intelligence: "You Are Not the Ones Threatening War," Walla, May 25, 2023, <https://tinyurl.com/yc2334d5> [Hebrew]